



## چند نکته درباره نقش و نوع مهر

بر پایه اسنادی<sup>۱</sup> از علما، اعیان و مردم بارفروش<sup>۲</sup>

سید محمد عمادی حائری\*

### ۱. تجدید مهر

مهرها در قدیم (تا حدود پنجاه سال پیش) از جایگاه خاصی برخوردار بود و اهمیتی همانند امضا در عصر حاضر داشت. به همین دلیل، در نگهداری مهر و حفظ آن کوشش بسیاری می‌شده است. در برخی موارد خاص، این اهمیت همچنان باقی مانده است. این اهمیت تا آنجا بود که به هنگام ناتوانی صاحب مهر و یا پس از درگذشت او، مهر در حضور جمعی معتبر شکسته می‌شد. حال اگر مهری به هر دلیلی مفقود می‌شد یا از میان می‌رفت، صاحب مهر برای حفظ اعتبار نوشته‌ها و اسناد پیشین از سویی و اسناد و نوشته‌های بعدی از دیگر سو، قاعدتاً باید می‌کوشید تا مهری که جایگزین مهر پیشین می‌کند، از نظر سجع، نقش و اندازه با نمونه قبلی برابر باشد.

دو نقش مهر مندرج در صفحه بعد (تصویر ۱ و ۲)، متعلق به [آیت‌الله] سید اسماعیل مازندرانی بارفروشی (معروف به «پیشنماز»)، و بعدها با نام خانوادگی «عمادی حائری» است که از مجتهدان عتبات بود (در حدود ۲۵ سال ساکن در نجف و سپس ۱۵ سال در کربلا) و امامت حرم علوی و حسینی را بر عهده داشت و در سفر به بارفروش در سال ۱۳۱۰ ش (۱۳۵۰ ق) درگذشت. در اسناد و نامه‌هایی که از سالهای پیش از ۱۳۲۸ ق از وی در دست است، نقش مهر مطابق تصویر ۱ است که چنانکه می‌بینیم در سال ۱۳۰۳ [ق] — و بنابراین پیش

از مهاجرت او از موطنش بارفروش به عتبات به قصد تکمیل تحصیلات — ساخته شده است.

اما در نامه‌ها و اسناد دیگری که از سالهای بعدی تا سال ۱۳۱۰ ش در دست است، از مهری برابر با تصویر ۲ استفاده شده است. قدیمترین سند با مهر دوم که تا کنون از آن با خبریم، گواهی‌ای است در حاشیه سندی با تاریخ شعبان ۱۳۳۷ ق، که اینک در کتابخانه طوسی حائری (در قم) نگهداری می‌شود.<sup>۳</sup> اگر بتوان درست خواند، تاریخ ساخت مهر دوم [ق] ۱۳۳۲ است؛ و بنابراین از این سال از مهر دوم استفاده شده است. اما علت ساخت این دو مهر همسان چیست؟ به نظر می‌رسد که پس از مفقود شدن یا از میان رفتن مهر نخست، حکاک بعدی به سفارش صاحب مهر کوشیده تا نقش مهر دوم را دقیقاً همانند مهر اول از کار درآورد، و شکل چینش حروف را، از جمله در نوع هماهنگی و همنشینی نیم‌دایره‌های ابن، فضل،

\* پژوهشگر و مصحح متون؛ دبیر گروه متن‌شناسی مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

۱. از مجموعه شخصی سید اسماعیل عمادی حائری (بابل).
۲. «بارفروش» نام قدیم شهرستان بابل است. این شهر پیش از حمله مغول «مامطیر» نام داشت و به نوشته مؤلف حدودالعالم من المشرق الی المغرب (تألیف شده در ۳۷۲ ق، به کوشش منوچهر ستوده، تهران، ۱۳۴۰ ش، ص ۱۴۵) «شهرکی... با آبهای روان» بود. پس از هجوم مغول به عنوان یک منطقه تجاری به «بارفروش‌ده» معروف شد؛ اما از دوره صفویه اهمیت یافت و شاه عباس کاخ — دریاچه‌ای با نام «بحر ارم» در آنجا ساخت و نام آن از «بارفروش‌ده» به «بارفروش» بدل گردید. در سال ۱۳۱۰ ش و به دنبال اصلاحات پهلوی اول، «بارفروش» به «بابل» تغییر نام یافت. این نام از رودی با نام «باول» / «بابل» که از کنار این شهر می‌گذرد گرفته شده است. مؤلف حدودالعالم (ص ۴۹) از این رود یاد کرده و نوشته است: «رود باول ... از کوه قارن برود و بر مامطیر بگذرد و اندر دریای خزران افتد.» منطقه‌ای که در برخی از متون تفسیری کهن با عنوان «بابل» که نزدیک است به دماوند» یاد شده و زندان‌جای معروف هاروت و ماروت (چاه بابل) دانسته شده (نک: تاج القصص، ابونصر احمد بن محمد بخاری، به کوشش سید علی آل داود، تهران، ۱۳۸۶ ش، ج ۱، ص ۲۵۲-۲۵۳؛ مجمع‌البیان، فضل بن حسن طبرسی، بیروت، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۳۳۰)، ظاهراً با این رودخانه و مناطق اطراف آن در ارتباط است.
۳. تصویری از این سند را آقای ابوالفضل حافظیان در اختیار نگارنده گذاشته است.



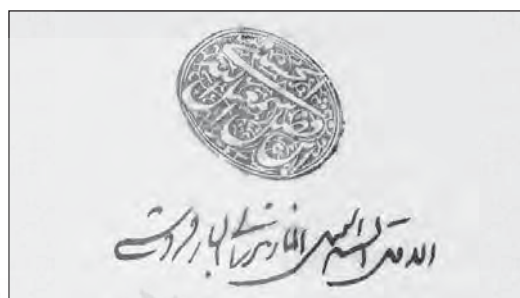
— که در آن زمان امام مسجد بود — به دست کاتب متن چاپی کتابی از خود نویسانیده، و با ذکر عبارت شهادت گواهان، درج نام آنان و تصریح به محل مهر آنان، به پیوست کتابش (مناهج الرشادة فی اسرار الشهادة، چاپ سنگی، طهران، ۱۳۳۶ق) به چاپ رسانده است.



تصویر ۳: گواهی صاحب مهر برای یکی از وقفنامه‌های مسجد بی‌سرتکیه بارفروش؛ چاپ‌شده در ضمیمه مناهج الرشادة ص ۱۵.

۱. این شیوه، یعنی کنار هم قرار دادن سه نیم‌دایره در بخش زیرین مهر، در بسیاری از مهرهای آن دوره دیده می‌شود و ظاهراً امری رایج در میان حکاکان آن زمان بوده است.
۲. از آقای دکتر علی بیژنی که نخستین بار به تفاوت این دو نقش توجه دادند، سپاسگزاری می‌شود.
۳. واقف حاج علی اکبر بلورچی بارفروشی یزدی الاصل است که مسجد را تجدید بنا نمود و موقوفاتی نیز برای آن قرار داد.
۴. برای متن وقفنامه، نک: ضمیمه مناهج الرشادة فی اسرار الشهادة، ص ۱۱-۱۴.
۵. در تصویر ۳، گواهی سید عبدالغفار مازندرانی (امام مسجد هندی نجف؛ با امضای: الاحقر الجانی عبدالغفار الحسینی المازندرانی البارفروشی) نیز دیده می‌شود. در ادامه وقفنامه مذکور، شهادت برخی از علمای دیگر نیز — با تأکید بر اینکه مهر آنان در ذیل گواهی آنان آمده — به چاپ رسیده است، از جمله: شیخ غلامعلی بارفروشی (با امضای «اقل الطلبة غلامعلی بارفروشی»)، سید احمد مازندرانی بارفروشی (بعدها با نام خانوادگی «استاد»؛ با امضای «اقل احمد بن محمدعلی الحسینی المازندرانی البارفروشی»)، سید محمدکاظم یزدی (فقیه معروف نجف، صاحب عروة الوثقی؛ با امضای «لاحقر محمدکاظم الطباطبائی»)، شیخ محمدحسین مازندرانی (با امضای «لاحقر محمدحسین المازندرانی»)، شیخ عبدالله مازندرانی (فقیه معروف نجف و یکی از مراجع ثلاثه حامی مشروطه؛ با امضای «لاحقر عبدالله المازندرانی النجفی») و شیخ محمدحسن بارفروشی مازندرانی (معروف به «شیخ کبیر»، فقیه نامدار مازندان، ساکن بارفروش، بدون امضاء). نک: همان، ص ۱۵-۱۷.

اسمعیل، که یادآور نوعی نقاشی‌خط در آن عصر است، رعایت کند. با این همه، حکاک در این تقلید اندکی ناموفق بوده و نقش مهر نخست با نقش مهر دوم تفاوتی دارد<sup>۲</sup> که بر اهل دقت پوشیده نیست؛ مانند تاریخ ساخت مهر (که در مهر نخست هست و در مهر دوم بدان‌گونه دیده نمی‌شود)، نقشهای تزئینی گرداگرد کلمات، جای الف و نقطه ب در این، شکل ح در الحسینی، و تشدید در الله (که در مهر دوم هست و در مهر نخست نیست)؛ افزون بر آنکه لطافت و پختگی‌ای در نقش مهر نخست هست، که در مهر دوم دیده نمی‌شود.



تصویر ۱: نقش مهر نخست (با سجع: اسمعیل ابن فضل‌الله الحسینی)؛ طول مهر: ۱۸ مم؛ همراه با امضای صاحب مهر پیش از رواج نام خانوادگی در ایران (با عبارت: الاقل السید اسمعیل المازندرانی البارفروشی).



تصویر ۲: نقش مهر دوم (با همان سجع تصویر ۱)؛ طول مهر: ۱۹ مم؛ همراه با امضای صاحب مهر پس از رواج نام خانوادگی در ایران (با عبارت: الاقل السید اسمعیل الحسینی العمادی الحائری البارفروشی).

در تصویر زیر (تصویر ۳)، گواهی صاحب مهر برای یکی از وقفنامه‌های مسجد بی‌سرتکیه بارفروش<sup>۳</sup> به تاریخ ۱۶ رجب ۱۳۳۴ق دیده می‌شود. این وقفنامه<sup>۴</sup> و گواهی جمعی از فقهای بارفروش و نجف<sup>۵</sup> بر آن را [آیت‌الله] شیخ روح‌الله بارفروشی (بعدها با نام خانوادگی «عالمی»)



این امر، به خوبی جایگاه شرعی و قانونی مهر در آن عصر را نشان می‌دهد. برخی از شهادتات و قفنامه مذکور، بدون امضاست. برای نمونه، شیخ کبیر<sup>۱</sup> پس از گواهی بر صحت وقف، تنها عبارت «نَمَّه الجانی» را نوشته و به ثبت مهر خود بسنده نموده است. این امر نشان می‌دهد که برخی افراد با وجود درج مهر، حتی نیازی به امضا و ذکر نام خود نیز نمی‌دیدند.



تصویر ۵: نقش مهر شیخ محمد بارفروشی؛ طول مهر: ۱۷ مم.

### ۲. نقشهای دلپذیر

در حالی که سادات (از علما یا اعیان) در سجع مهرشان معمولاً به ذکر نسب خود — که مایه افتخار آنان بود — بسنده می‌کردند، برخی دیگر از علما یا اعیان که از سادات نبودند عباراتی از قرآن یا روایات را که با نام آنان مناسبت داشت سجع مهر خود قرار می‌دادند؛ چنانکه سجع مهر [آیت‌الله] شیخ عبدالله مازندرانی (یکی از سه رهبر روحانی مشروطه در نجف) «قال إني عبدالله» بوده که بخشی است از آیه ۳۰ سوره ۱۹ (مریم).  
نقش مهر زیر متعلق به [آیت‌الله] شیخ سلمان مازندرانی بارفروشی (معروف به «سیف‌الاسلام»، و بعدها با نام خانوادگی «سالکی») است که پس از اتمام تحصیلات دینی در نجف، به بارفروش بازگشت و در منطقه‌ای از شهر ریاست و مدیریت یافت، تا آنجا که امور قضا و اجرای آن را نیز بر عهده داشت. سیف‌الاسلام در سال ۱۳۱۳ ش درگذشت. چنانکه در تصویر زیر پیداست، حکاک عبارت «قال رسول الله سلمان منّا اهل البیت» (حدیث نبوی معروف) را که با نام صاحب مهر تناسب دارد، با هنرمندی تمام، در مهری بیضوی گنجانیده است.



تصویر ۶: سجع مهر: حبيب ابن علی الحسينی، اندازه: ۱۹×۱۹ مم.



تصویر ۷: سجع مهر: لا اله الا الله الملك الحق المبين عبده محمد علی، اندازه: ۸×۸ مم.

با این همه، گاه برخی از شاغلان به علوم دین نیز از مهرهایی به شکل مربع استفاده می‌کردند، که البته امری نادر است. مهر تصویر ۷، متعلق به فردی است که در تاریخ ۱۳۲۵ق از خود با تعبیر «اقل الطلبة شیخ». درباره او، نک: پایان پانوش پیشین.

### ۳. پیوند شکل مهرها با هویت اجتماعی صاحبان آنها

شکل مهر گویای هویت و جایگاه اجتماعی صاحب مهر نیز بود. همان‌گونه که فقها و عالمان دینی معمولاً از مهرهایی با شکل بیضوی استفاده می‌کردند، سجع مهر پادشاهان، تجار صاحب‌نام و صاحبان املاک معمولاً در مهرهایی با شکل مربع نقش می‌شد. البته شکل مهرها و ربط آنها با هویت اجتماعی صاحب مهر در دوره‌های تاریخی گوناگون متفاوت بوده، و شواهد ما تنها ناظر به دوره تاریخی قاجار است. در زیر تصویر نقش و شکل مهر یکی از تجار بارفروش (به نام سید حبیب‌الله گلچوب) در اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی را می‌بینیم.

نقش مهر زیر متعلق به [آیت‌الله] شیخ سلمان مازندرانی بارفروشی (معروف به «سیف‌الاسلام»، و بعدها با نام خانوادگی «سالکی») است که پس از اتمام تحصیلات دینی در نجف، به بارفروش بازگشت و در منطقه‌ای از شهر ریاست و مدیریت یافت، تا آنجا که امور قضا و اجرای آن را نیز بر عهده داشت. سیف‌الاسلام در سال ۱۳۱۳ ش درگذشت. چنانکه در تصویر زیر پیداست، حکاک عبارت «قال رسول الله سلمان منّا اهل البیت» (حدیث نبوی معروف) را که با نام صاحب مهر تناسب دارد، با هنرمندی تمام، در مهری بیضوی گنجانیده است.



تصویر ۸: نقش مهر سیف‌الاسلام؛ طول مهر: ۱۹ مم.

نمونه دیگر، نقش مهر یکی از علما یا طالب‌علمان بارفروشی ساکن نجف است که در تاریخ ۲۲ ذی‌الحجه ۱۳۲۶ق از خود با عنوان «اقل الطلبة شیخ محمد بارفروشی» یاد کرده است. چنانکه می‌بینیم، نقش این

محمدعلی بارفروشی» یاد کرده است.

در کنار اینها، باید از مهرهای طبقات فرودست جامعه یاد کرد که عموماً ساده و نازیبا بود و تنها برای رفع احتیاجات صاحبان مهر — که اکثراً شاید سواد خواندن و نوشتن نیز نداشتند — ساخته می‌شد. مهرهای زیر مربوط به عریضه‌ای است که در میانه سالهای ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۰ شمسی جمعی از اهالی روستای هریکنده (روستایی بزرگ نزدیک بابل، در جاده کنونی بابل به قائمشهر) به نمایندگی از دیگر رعایا برای تقاضای تخفیف در مالیات سالانه خود و گلایه از کدخدا به مالک یک دانگ از آن قریه نوشته‌اند.

## دو سند از ناحیه بلخ در سده‌های ۶ و ۷ هجری

عمادالدین شیخ‌الحکامی

مؤسسه باستانشناسی دانشگاه تهران

مرکز پژوهشی میراث مکتوب، تصویر رنگی دو سند را در اختیارم نهاد که اصل آنها را سال گذشته، آقای محمدابراهیم شریعتی (افغانی) به آن مرکز ارائه کرده و با اجازه ایشان، تصویری رایانه‌ای از آن تهیه شده بود. این اسناد که هر دو به زبان فارسی نگاشته شده، مربوط به نیمه سده ششم و اول سده هفتم، و از لحاظ جغرافیایی متعلق به ناحیه بلخ افغانستان است. آنچه در پی می‌آید معرفی اجمالی و بازخوانی متن این اسناد کهن است.

**سند نخست:** اندازه سند در وضعیت موجود؟ × است. بخش پیش از شروع متن که توفیق قاضی را در بر می‌گیرد افتاده است. حاشیه سمت چپ سند نیز آسیب دیده و کلماتی از پایان سطرها افتاده است. از بخش سجالات سند نیز به اندازه یک بند افتاده است. این موضوع به استناد یادداشت سربند پشت سند اثبات می‌شود. سند در زمانی نامعلوم مرمت شده است. اساس متن سند به خط نسخ است. نوع و مضمون سند چنین است:

**نوع سند:** مبیعه‌نامه.

**فروشندهگان:** ۵ نفر (از سطر ۲ تا ۴).

**مشتري:** خواجه رئیس معتمدالملک، نجم بن محمدبن محمد.

**مبیع:** یک‌پاره زمین کوهی از کوه بلخ به موضع شامست راغ.

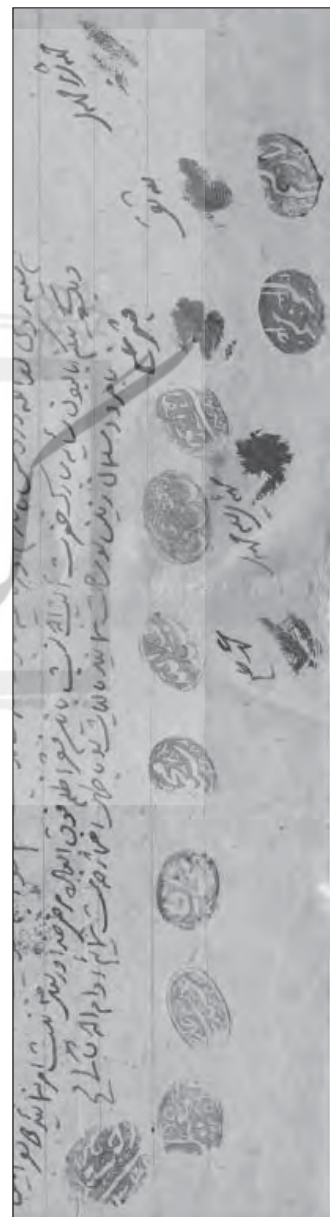
**مبلغ:** ۴۷۰ دینار.

**تاریخ:** ۲۸ جمادی ۱، ۵۴۵ق.

**متن سند نخست:**

۱/ بسم الله الرحمن الرحيم

۲/ اقرار کردند از ایشان سالار محمدبن احمدبن محمدبن یو[سف] +++ [و] ۳/ دهقان علی بن محمد و علی بن عبدالغفار بن بابک، و عثمان بن احمدبن +++ ۴/ [بن] عبدالرزاق، و عبدالرزاق بن عبدالغفار، و دولت یار الحسين بن علی +++ ۵/ کنندگان از خلیج زاری از قبیله تمرکی، هر یکی از ایشان به ترکه ؟ +++

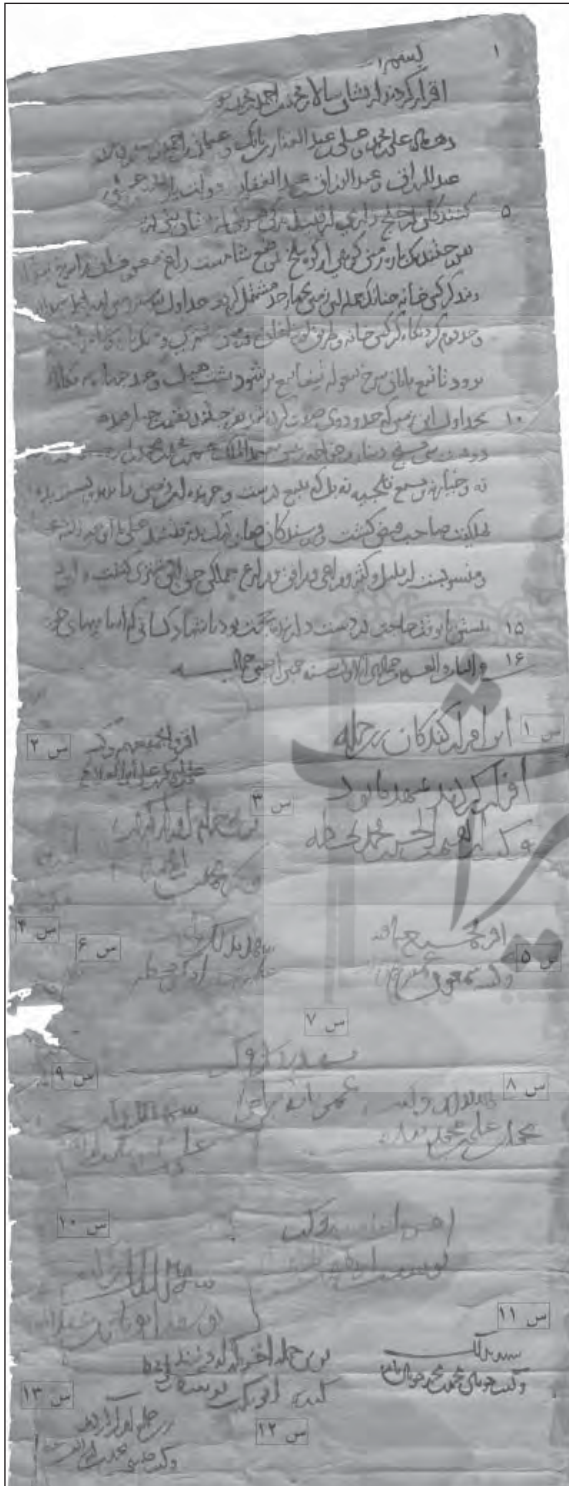


تصویر ۸



گزارش میراث

۷. شاهد بذلک و کتب/ عمر بابہ، بامرہ.
۸. شاهد بذلک و کتب/ محمد بن علی بن محمد، بیدہ.
۹. شاهد بذلک و کتب بخطہ/ علی بن ابوبکر بن ابراهیم.
۱۰. شاهد بذلک و کتب/ یوسف بن ابوبکر بن عبدال ++



سند یک

۶/ بفروختند یک پاره زمین کوهی از کوه بلخ به موضع شامست راغ معروف آن را سرخ ... +++ و ۷/ و بند کرکس خانه، چنان که جمله این زمین به چهار حد مشتمل گردد:

حد اول، پیوسته به زمین امیر اجل سعدالدین] و ۸/ حد دوم گردنگاه کرکس خانه و طریق اورزاخان و زمین مشتری و به یک پاره و شاهراه +++ و ۹/ برود تا تیغ تابان سرخ بیغوله تیغاتیغ برشود پشت هیل

و حد چهارم، سر نکاله؟ ز +++ ۱۰/ به حد اول این زمین — که حدود وی صفت کرده شد — بفروختند به قیمت چهار صد [و] هفتاد دینار ... [النصف] ۱۱/ دو بیست [و] سی [و] پنج دینار، مر خواجه رئیس، معتمد الملک نجم بن محمد بن محمد بن ار +++ [هبه] ۱۲/ نه و خیار نه و بیع تلجئه نه، بل که به بیع درست. و خرنده، این زمین را بدید و پسندید و +++ ۱۳/ به ملکیت، صاحب قبض گشت. و فروشندگان ضمان درک پذیرفتند، علی ما اوجه الشرع [الشریف] +++ [و آنچه بدو مضاف] ۱۴/ و منسوب است از قلیل و کثیر و مراعی و مرافق و مزارع، جملهگی حق این مشتری گشت. و این [ذکر بفرمود] ۱۵/ نبشتن تا به وقت حاجت در دست دارنده حجت بوده، به ا شاهد کسانی که اسامی های خود +++ [ثبت کرده اند]. ۱۶/ فی الثامن و العشرين من جمادی الاول سنة خمس و اربعین [و] خمس مایه [۵۴۵ق].

[سجلات]

۱. این اقرار کن[ن]دگان برین جمله/ اقرار کردند به مشهد ما بود. / و کتب ابراهیم بن الحسن بن محمد، بخطه.
۲. اقروا بجمعهم و کتبه/ علی بن ابی بکر بن علی ابوالعلاج (?).
۳. برین جمله اقرار کردند. و کتب محمد بن ابراهیم بن - - بخطه.
۴. اقر بجمع [یع] +++ و کتب محمد +++
۵. اقر بجمع ما فیه/ و کتبه شمعون بن عمید بن محمد، بیدہ.
۶. شاهد بذلک و کتب/ علی بن محمد بن ادکمی (?). بخطه.

۱۱. شهد بذلک / و کتب، چوپان محمدبن محمد چوپان بامرہ.

۱۲. برین جملہ اقرار کردند/ کتبہ ابوبکر بن یوسف بن علی بخطہ.

۱۳. برین جملہ اقرار کردند/ و کتب عیسیٰ (؟) بن محمد بن ابوالقاسم، بخطہ.

[پشت سند، یادداشت سربند]:

۱۴. وصل [صحیح]

۱۵. +++ و کتبہ / +++ بن علی / +++ ...

**سند دوم:**

اندازه سند ؟ × ؟ است. توقیع قاضی و تسمیہ از صدر افتادہ است اما متن سند کامل است. در دو سمت سطر نخست و نیز سطر آخر سند، اثر چهار دایرہ زرین دیدہ می شود کہ در نوع خود منحصر بہ فرد است. بخش تاریخ سند و سجلات آن با طلا دورگیری شدہ است. خط سند اگرچہ در مرحلہ ای است کہ اشتراکاتی با خط تعلیق دارد اما همچنان باید آن را توقیع دانست. نوع و مضمون سند چنین است:

**نوع سند:** مبیعہ نامہ.

**فروشنده:** خواجہ ہندوبن محمد بن احمد ریکان (؟)

عونی.

**مشتری:** حسام الدین، مستوفی الممالک ابی المجد محمود بن ابی بکر بن محمد بن علی قاضی.

**مبیع:** یک پارہ رز[ستان] و یک قطعہ زمین بیدستان و یک قطعہ زمین شفتالوستان و دہ بن درخت بید.

**مبلغ:** دو بیست [و] پنجاہ دینار زر کرزوانی سرہ.

**تاریخ:** ۲۴ محرم ۶۰۷ ق.

**متن سند دوم:**

[بسم اللہ الرحمن الرحیم]

۱/ اقرار کرد خواجہ ہندوبن محمد بن احمد ریکان (؟) عونی، فی حال [صحتمہ و جواز] ۲/ اقرارہ و نفاذ کل امورہ، طائعاً راغباً غیر مکرہ و لا مجبر علیہ، ۳/ بر آن جملہ کی یک پارہ رز، کی وی را بود اندر قریہ عون بہ موضع جوی امیناہ ۴/ چنان کہ بہ چہار حد مشتمل گردد:

حد اول، پیوستہ بہ زمین عفان بن محمد بن احمد

۵/ و الثانی پیوستہ بود ہم بہ زمین عفان بن محمد بن احمد

احمد

و الثالث، ۶/ پیوستہ شود بہ جوی امیناہ

و الرابع، پیوستہ شود بہ رز علی بن عمر [بن] جمال

۷/ این یک پارہ رز کی حدود وی مسما کردہ شد، با کل حقوق آن ۸/ از تاک و نہال و اشجار عامر [و] غامر داخل [و] خارج، ما یضاف و ینسب الیہا ۹/ از جملہ دو تیر (؟) یک تیر کہ نصف کامل گردد.

و ایضاً ۱۰/ یک قطعہ زمین کہ بیدستان است وی را بود

ہم بہ موضع ۱۱/ جوی امیناہ، بہ چہار حد:

حد اول پیوستہ شود بہ زمین عفان بن محمد مذکور

۱۲/ و الثانی پیوستہ شود بہ زمین رز محدود موصوف

و الثالث ۱۳/ بہ گراب اندرہ

و الرابع رز علی بن عمر [بن] جمال

این یک قطعہ زمین کہ حدود ۱۴/ وی مسما کردہ شد با

کل حقوق از اشجار مثمرہ و غیر مثمرہ عامر [و] غامر ۱۵/ داخل [و] خارج آنچه بدو منسوب است و بہ مضاف الیہا.

و ایضاً ۱۶/ یک قطعہ زمین شفتالوستان بہ موضع

مرغزارک:

حد اولی، ۱۷/ پیوستہ شود بہ خانہ محمد شحنہ

و الثانی، پیوستہ شود بہ رز یحیی بن علی شیر

۱۸/ و الثالث، پیوستہ شود بہ مرغزارک

و الرابع، حائط یوسف بن عثمان [بن] یوسف

۱۹/ این یک قطعہ زمین با کل حقوق عامر [و] غامر از

اشجار مثمرہ و غیر مثمرہ.

۲۰/ ایضاً دہ بن درخت بید بہ موضع زمین مجد:

حد اول، زمین مجد (مسجد؟) گویند

۲۱/ و الثانی و الثالث ہم زمین مجد و الرابع رز

مشتری

این یک پارہ رز و یک قطعہ زمین ۲۲/ بیدستان و یک

قطعہ زمین شفتالوستان و دہ بن درخت بید ۲۳/ کی حدود

ہر یک مسما کردہ شد،

**بفروخت مر صدر رفیع، ملک الوزرا، ۲۴/ خداوند، حسام**

الدولہ و الدین، مستوفی الممالک، ... ابی المجد محمود بن

ابی بکر بن محمد بن علی ۲۵/ القاضی را بہ دو بیست [و]

پنجاہ دینار زر کرزوانی سرہ، اجرت مثل (؟). ۲۶/ النصف،

صد [و] بیست [و] پنج دینار بہ بیع صحیح جایز شرعی

... ۲۷/ حالی عن کل شروط مفسدہ و مواد مبطلہ، نہ ہبہ، نہ

عوض، ۲۸/ نہ رهن، نہ تلجئہ بل کہ بیع جایز.

و مشتری، ہر ... محدود است ۲۹/ را بدید و پسندید و

در تحت تصرف خود آورد کسایر الاملاک.

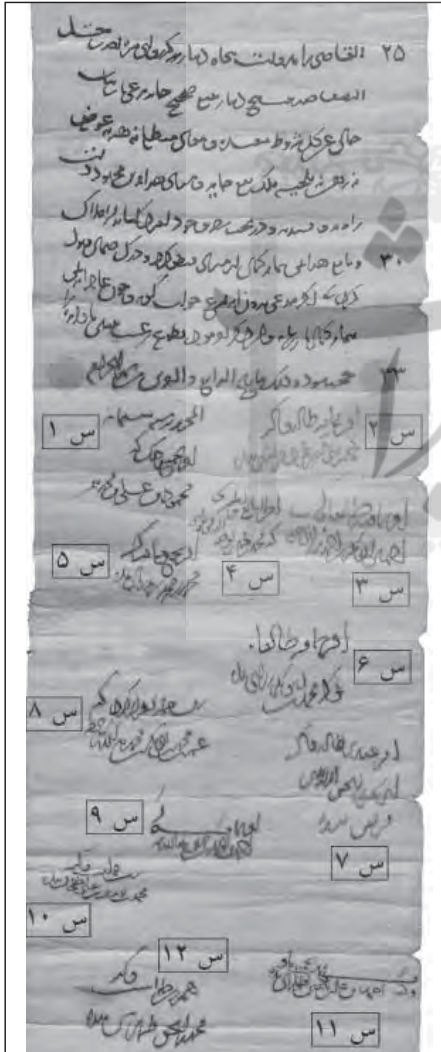
۳۰/ و بایع نقداً ثمن بہ تمام [و] کمال از مشتری قبض



۷. اقر عندی طائعا/ و کتب ابی بکر بن الحسن المرازی (؟) فراش بیده.
۸. برین جمله اقرار کرد. کتبه/ عمر بن محمد بن بوبکر بن محمد (؟) الله، بنخطه.
۹. اقر بما فيه/ احمد بن ابی بکر بن محمد بن هبه الله، بیده.
۱۰. برین جملت است و کتبه/ محمد بن یوسف بن علی صفجان (؟) بیده.
۱۱. تشهد بجمیع ما فيه/ و کتبه احمد بن علی بن الحسین ...، بیده.
۱۲. هم برین جمله است. و کتب/ محمد بن اسحاق طماری؟، بیده.

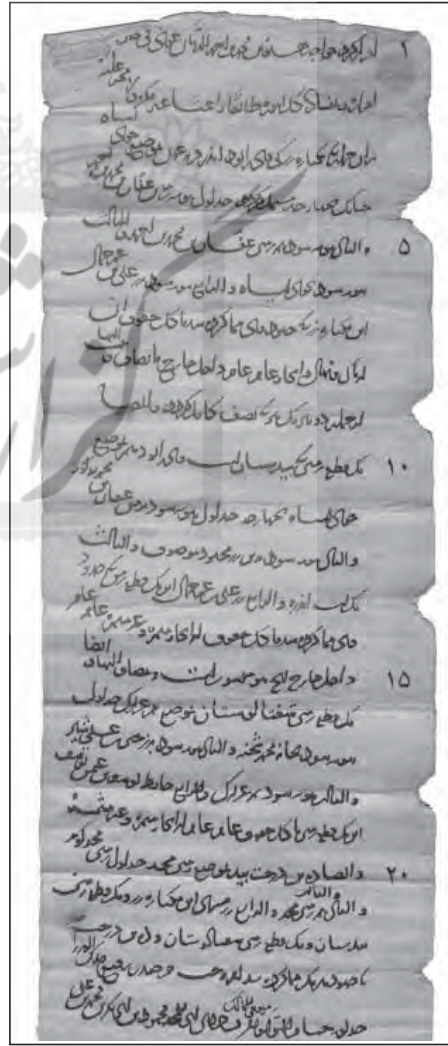
[:پشت سند، نوشته سرپند]:

... الوصل صحیح بخط الکاتب، محمود بن علی بن محمد، بیده.



سند دو [بخش دوم]

- کرد و درک ضمان قبول /<sup>۳۱</sup> کرد کی اگر مدعی بیرون آید، به شرع جواب گوید و چون عاجز آیدی/<sup>۳۲</sup> به تمام [و] کمال باز رساند. و این ذکر بفرمود به طوع [و] رغبت نبشتن تا دارنده را /<sup>۳۳</sup> حجت شود.
- و ذلک بتاريخ الرابع و العشرين من شهر الحرام / المحرم سنه سبع [و] ست مایه [۶۰۷ق].
- [(سجلات)]
۱. اقر بجمیع ذلک. کتبه/ محمود بن علی بن محمد، بیمینه.
۲. اقر بما فيه طائعا کتبه/ محمد بن ابی بکر بن محمود فراشی، بیده.
۳. اقر بما فيه طائعا و کتب/ احمد بن ابوبکر بن احمد زرانی (؟)، بیمینه.
۴. اقر البایع و المشتري / کتبه محمد بن محمد بن ...
۵. اقر بجمیع ما فيه/ محمد بن محمد بن زیدریانی (؟) بیده.
۶. اقر بما فيه طائعا/ کتبه محمد بن ابوبکر زرانی (؟) بیده.



سند دو [بخش نخست]